

افراد مبتلا به افسردگی شدید از خدمت معاف می شوند

ماز یار فلاحی:

امیدوارم آلجوم جدیدم بتواند آمار معافیت را در بین هوادارانم حداقل ۷۰ درصد افزایش دهد!

یک طنز نویس مشمول (دوماه مانده به اعزام):

باور کنید من فقط مطالبم شوخ و شنگه! خودم از درون متلاشی ام!

احمد رضا کاظمی

بررسی شایعات غیبت ملکه انگلیس در مراسم کریسمس امسال در شهرونگ

ملکه انگلیس: دارم سریال می بینم! کریسمس رو ولش کن!

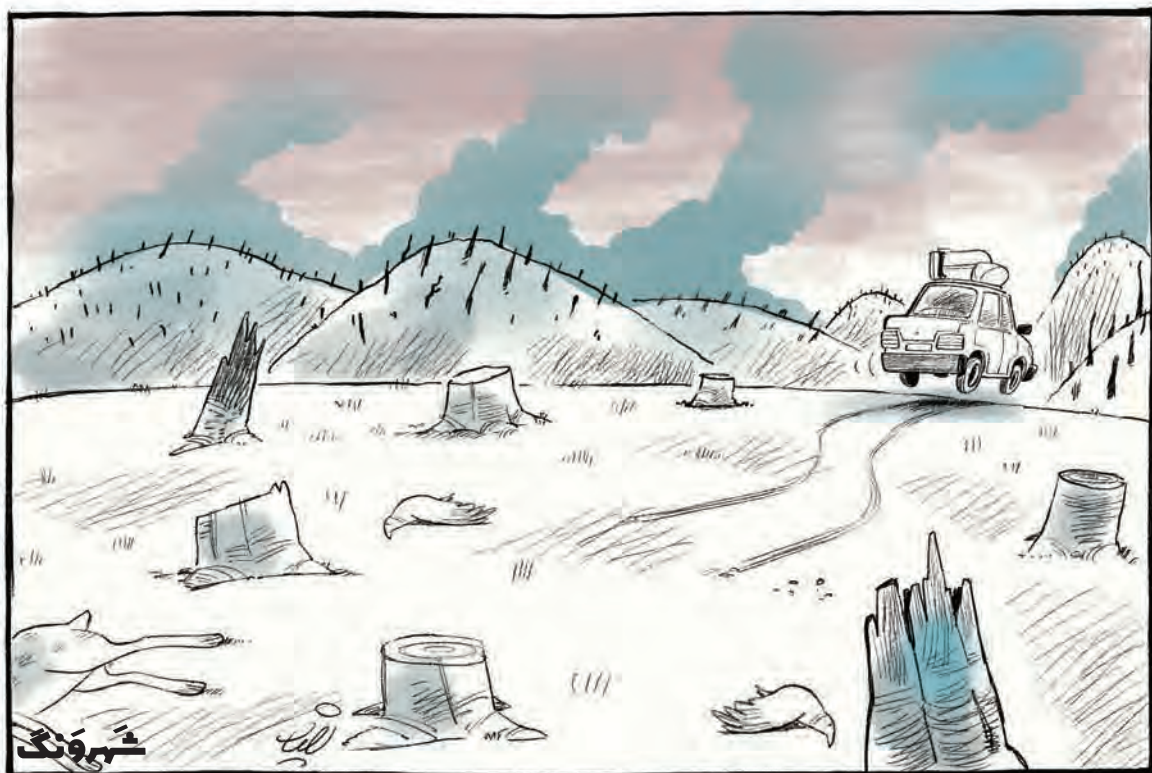
یکی از پزشکان بیمارستان جم: نمی دونم، فکر کنم از این ویروس جدید هاست! **کامران نجف زاده:** ملکه انگلیس به دلیل ترس از اعتراضات گسترده مردم در مراسم غیبت کرده است! **حمید معصومی نژاد:** کم برای تعطیلات به لندن رفته: کامران الکی میگه، به نظر می رسد دلیل اصلی غیبت ملکه، اختلاف بین مادر شوهر (ملکه) و عروس (کیت میدلتون) است! **#ویروس_جدید! #توطئه #شهر ونگ**



نعم تدین | کارتونست | naeamator@gmail.com

تماشاخانه

۴۰ میلیون درخت ۳۰۰ساله در جنگل های هیرکانی از دست رفت



گمشده ها

قارچ ورزیدن

شهرام شهیدی

طنزنویس
shahraam_shahidi@yahoo.com



تا رسیدم خانه خانم مثل شیر زیان (دوستی اعتراض کرد که زیان صفت مران است، مادر برابر فمینیست ها دست هاما بالاست، حوصله چک و چانه نداریم، صفت مران نیست اما چون شما می گویید هست) ایستاد جلو در و پرسید شازده تا حالا کدام گوری تشریف داشتند؟ با لکتت و من و من گفتم خانم جان شما با یک قهرمان محلی پسر آوازه صحبت می کنی ها، این طوری نگو در و همسایه می شنوند و اعتبار قهرمان محل از بین می رود، پرسید تو قهرمان این محله ای؟ به حق چیزهای ندیده و نشنیده، گفتم بله که هستم، نمی دانی بدان که من امروز کلی گل زدم.

یکهو برآشتفت که: اوه اوه اوه، چه غلطه، خوب چشمم روشن، دیگه چی کارها کردی؟ بگو به من، آفرین پسر خوب، فکر کردم حتما چون بدون خبر رفته ام فوتبال عصبانی شده و بهتر است شرح مختصری از خدماتم به خانه و خانواده هم ارایه کنم، این شد که بادی در غیبت انداختم و گفتم بله، خیلی کارها کرده ام؛ مثلا سر راه شیشه هم خریدم، خانم با غیظ فریاد زد: جانم؟ چه پرو و پرو! بهت گفتم برو تک پا نوشیدنی بخور جلدی برگرد، بلند شدی عطر دو ساعته رفتی گل زدی و شیشه خریدی، هان؟ جواب دادم عزیزم نگران نباش سر راه برای تو هم کوکا گفتم که بری تو ابرها، پرید و وسط حرفم که دیگه چه دستاوردی داشتی استاد؟ دیگه چی چی خریدی که من نمی دونم؟ ذره ذره بروز نده، یکهو و یک جا بگو ببینم، من طاقش را دارم.

پیش خودم گفتم حتما داخل کیسه های خریدار دیده، چون خانم من به قارچ و سیر حساسیت دارد و ورود این دو قلم اکیدا به خانه ممنوع است، با شرمندگی گفتم: خوب حق داری کسی هم قارچ گرفته، اما قرار نیست تو استفاده کنی، برای مصرف شخصی خودم خریدم، مطمئن باش وقتی تو خانه نباشی، خودم تنهایی می زدم به بدن و همین یکبار هم هست، قول قول، از خر شیطان هم پیاده شو.

خانم برآشتفت و فریاد زد: نه بابا؟ تو را به خدا؟ می خواهی اصلا با هم بزیم به بدن و برویم هپروت؟

خریدها را گذاشتم روی رف آشپزخانه، خانم ادامه داد: شما که این همه جانفشانی کردی، خوب یکهو کرو کودیل هم می خریدی و خیال خودت و من را راحت می کردی.

من هم بی خبر از همه جا گفتم: صدبار گفتم این چیزهای عجیب غریب باشن، تو خونه نیست، اینها باید تو طبیعت باشن، جای این چیزها تو خانه است؟ کرو کودیل را می آوردن توی خانه؟

خانم گفتم: علف چطور؟ گفتم: حالا علف یک چیزی، آن تو خانه باشد اشکالی ندارد.

خانم جواب داد: وقتی مهریه ام را گذاشتم اجرا می فهمی چی اشکال دارد و چی ندارد.

با تعجب پرسیدم: چون کرو کودیل نخریده ام باید مهریه ام را بپردازم؟ جواب داد: نخیر، چون مرا می بیچانی می روی گل می زنی، قارچ و کوکا و شیشه می خوری و با واقاحت از علف و کرو کودیل حرف می زنی بر تیکه معناد. وقتی انداختم بیرون و پشت در نشستم در را پشت سرم بست، تازه فهمیدم همه اینهایی که گفتم اسمی مواد مخدر جدید است، خوب باباجان، عزیز من، قاچاقچی مینگر نمی شود اسمهای بهتری بگذارد رو این محصولات کوفتی تان؟ گل و قارچ و کوکا و... شند اسمم؟ آمدیم و شما فردا یک مخدر جدید تولید کردید و اسمش را گذاشتید کتاب، تهیه کتاب هم جرم می شود که!

شماره ۱۰۲۴ | شماره چهارم | ۱۳۹۵ | شهریور | ۱۹

فکاهی: «شمار هفته:» یا ناوان و آقایان محترم، استفاده از پوست تماسخ بر خلاف مصاحبه میانه نیست و عفت عمومی است! * لطفاً روی بنرهای ۵۰۰ متری پلاستیکی، شمار مبارزه با پلاستیک ننویسیم! * سخن کر چکان: * آقا! آدم چطور می گاو میشه؟ - سوال اینه که چطور می گاو میشه؟ - سوال اینه که چطور می گاو میشه؟ - سوال اینه که چطور می گاو میشه! - مثل بابا که خر شد و تو رو گرفت! - گمشو و رو تو نواقت! * پیمه کلمه: * هر تمهید که درم، بدون این که

شهر ونگ خبرنگار

سامی ریگی | ماده ۱۲۴ حقوق شهرونگی: به منظور صیانت و تثبیت حق اعتراض و آزادی تجمعات، دولت موظف است هر گونه خسارت و غرامت ناشی از بالا رفتن از سفارتها، آتش زدن اتاق سفیر، انتقال تابلوهای نفیس سفارت به خانه، برداشتن تلفن سنترال برای جهیزیه منزل و غیره را از محل بودجه عمومی و جیب کسانی که برای اخذ ویزا یا سفار تخته های مزبور مراجعه می کنند پرداخت کند.

شهر ونگ خبرنگار: ما اسپایدرمن رو بومی کردیم، باید بریم زندان؟ ما با بهم زدن روابط با اون کشور باعث شدیم امسال کلی پول از مملکت خارج نشه و کلی مدرسه و بیمارستان با پولش درست بشه؟ یا اینکه جواب کار ما؟ تازه میخوایم بریم جلوی سفارت تر کیه و تایلند و امارات هم شلوغ کنیم، کلا یک سنت هم از این مملکت خارج نشه و با پولش مدرسه روی مدرسه و درمانگاه روی درمانگاه بسازیم، حالا ما که باعث قطع روابط شدیم و جلوی خروج ارز رو گرفتیم، آیا رواست که حکم زندان براون بریند؟

کوچه دوم | ارمان زمان فشمی |

اسباب طرب

اهواز شده هوش بس آلوده
تهران که هوش پرز سرب و دوده
چندی است هوا کثیف و ضایع بوده
نابود شد از ماشش و نای و روده
بی پولی و پسمال و دوده و پارازیت
اسباب طرب تماشمان موجوده!

ریزگرد

هوآلوده تر شد، چون که شد سرد
کمی بارید باران لیکن افسوس
خدا را شکر اقل «ریزگرد» است
اگر می بود گنده تر، چه می کرد!

کوچه اول | علی اکبر محمدخانی |

چند شب پیش با خانوم بچه ها توی جوب خوابیده بودیم، که یک بابایی همین جوری که بوقلمون می خورد، اومد بالای سرمون، همین که وضع مارو دید، دلش سوخت، به دسته پول در آورد، اومد به هزاری بنده جلومون که من گفتم: این چیه؟ طرف تا این حرف رو شنید، گفت: آفرین به این درویش مسالکی، بعد هم همین جوری گریه می کرد و گفت: واقعا فکر شو نمی کردم تو این دوره مننه آدمهایی پیدا بشند که ندوندن پول چیه، دیگه من تا اومدم بگم منظورم این بود که این چیه؟ این که خیلی کمه، دیدم همین جوری که گریه می کرد و بوقلمونش رو می خورد، پولو گذاشت توی جیبش و رفت، خانومم برگشت: کلی منو نفرین کرد، بعد هم به پسر بزرگمون جلال که تازه از سر بازی اومده بود، گفت: مادر برو پولو ازش بگیر بیا، جلال گفت: اگه نداد چی؟ خانومم گفت: لافاقل بوقلمون رو ازش بگیر، هیچی جلال رفت دنبال پول و بوقلمون و دیگه برگشت.